

ساحر و کاهن نبی باشد دعای کتیم خدی تعالی اجابتی کند که فریادی
دعا کنیم که خدی تعالی ترا مخرج کند و سگی گرداند اعرابی از بهر کجی داشت
گفت که دعا کن دعا کرد فی الحال سگی شد پس روی بجای خود نهاد
صادق رضی الله عنه را فرمود که در عقب وی برو بر تنم بخانه خود آید
و پیش اهل و اولاد خود می جنباید عصا برداشته و ویرا براند
من بارگشتم و آنرا پیش صادق رضی الله عنه می گفتم وی نیز با زاد
و پیش صادق رضی الله عنه در خاک غلطید و آب از چشمش جاری
فی رفت صادق رضی الله عنه بروی رجم فرمود و دعا کرد بمسود
خود بازگشت فرمود که ای اعرابی آنچه گفته بودم ایمان آوردی
گفت آری هزار بار و هزار بار **وازان جمله آنت** که کربا
گفته است که با جفا حق پیش صادق بودم رضی الله عنه پرسید که چون
خدی تعالی ابراهیم را علیه السلام گفت که خذ آیهة من الخیر فصرق
ایک آن حرف آن از یک جنس بود یا از اجناس مختلفه پس فرمود
می خواید که مثل آن شما را بنمایم کتیم که آری فرمود که ای اعرابی
فی الحال طوسی حاضر شد پس فرمود که ای غراب غرابی حاضر شد
پس فرمود که ای باز بازی حاضر شد پس فرمود که ای کبوتر کبوتری
حاضر شد پس فرمود تا همه را بکشند و ریزه ریزه کردند و با یکدیگر
آمیختند و سرهای ایشانرا نگاه داشتند بعد از آن سه طاوس را
برداشت و فرمود که ای طاوس دیدم که کورشت و استخوان داری

طاوسی

وی از دیگران جدا شد و سر وی جسد و بدن وی داشت شد
و زنده گشت و با آن سر مرغ دیگر همین حال کرد همه زنده شدند
وازان جمله آنت که شخصی پیش وی ده هزار درهم آورد و
من بیج می روم این را برای سربازی بخر که چون از حج باز کردم با اهل
و حال خود آنچه متوقف شوم چون از حج بازگشت و پیش صادق
رضی الله عنه آمد فرمود که برای تو سربازی خریدم در بهشت که خدا اول
مستی بر سولی شود حق تعالی علیه و سلم و ثانی یعنی ذناب کشن هر کس
بحسب رضی الله عنه منم و ایک کمک نوشته ام چون آن شخص آنرا
بشنید گفت رضی شدم باین و حک را بست چون بمنزل خود رسید
بیمار شد و صیت کرد که آن حک را با وی در قبر نهند چون وفات
کرد و آن حک را با وی در قبر نهادند دیگر روز با عباد دیدند که
آن حک بر روی قبر ویست و بر پشت وی نوشته که جعفر بن محمد
و فائز با آنچه وعده کرده بود **وازان جمله آنت** که شخصی
وی التماس دعا کرد که خداوند را بر چندان چیزی دهد که حج
بسیار کند از فرمود که خداوند او را چندان برده که بخواه حج نکند
آن شخص بخواه حج بگذارد و در حج بخواه و یکم چون بگذر رسید
حوادث که غسل کند سیل ویرا در بود و در آن برد **وازان جمله**
آنت که چون دید را رضی الله عنه گشتند و پر دار کردند حکم
بن عباس کلبی این دو بیت گفت صلبنا کم ذیلاً علی جلیع کلک

وازان جمله آنت